



# جایی برای جوان ترها...

سابقه و تاریخچه جلسه شعر حوزه هنری مشهد

قاسم رفیعا

آن زمان، یعنی چیزی در حدود سال هفتاد، من با جلسه شعر حوزه هنری آشنا شدم که اگر چه مدت‌ها از عمر آن می‌گذشت، اما هنوز ترکیب اولیه خود را از دست نداده بود. بنابر این بنده از اتفاقات اصلی این جلسه و ماجراهای حاشیه آن آگاهی کاملی دارم.

چهار طبقه مشهد، یعنی جایی که این روزها آن را بلوار مدرس می‌نامند و سازمان تبلیغات اسلامی، اداره ارشاد مشهد، اداره کل دادگستری و چندین مرکز مهم فرهنگی و اداری شهر مشهد در آن واقع است، روزهای پنج شنبه هر هفته، قرارگاه بچه‌های شعر مشهد بود؛ مخصوصا بخاطر نزدیکی به جنت و کافه درویش، که پاتوق تعدادی از بچه‌ها بود، از همه جلسات پر شورتر و فعال‌تر بود.

حوزه هنری آن روزها در طبقه اول سازمان تبلیغات واقع بود و جلسات در یکی از اتاق‌ها برگزار می‌شد (هنوز حوزه از سازمان جدا نشده بود و به تقی‌آباد نیامده بود)؛ البته بعدها حوزه هنری به زیر زمین نقل مکان کرد و در مستقلی داشت و اغلب اوقات آنهایی که می‌خواستند مثلا بالاچهار چادر سرشان نکنند، از در طرف خیابان می‌آمدند، چرا که اگر کسی با مانتو می‌آمد، چادری به او امانت می‌دادند (چادر نماز) که بعد از جلسه چادر را بازگرداندا

اوایی که ما تازه به حوزه آمده بودیم، مدیر حوزه هنری سعید سهیلی بود (همین کارگردان سینما) و جوّ حوزه بسیار به سمت هنر سینما و نمایش می‌چرخید. سعید تشکری فعالیت جدی و پر شوری داشت و تعدادی از بچه‌های جوان آن دوران، مثل احمد کاوری، رضا عطاران و... هم رفت و آمدی داشتند. وقتی من به جلسه شعر حوزه راه یافتیم، یعنی همان سال هفتاد، مسئولیت گروه شعر با مصطفی محدثی خراسانی بود که این مسئولیت را داشت تا سال هشتاد که به تهران مهاجرت کرد و پایتخت‌نشین شد، اما تشکیل گروه شعر حوزه هنری به سال ۶۴ بر می‌گشت و موسس آن سید عبدالله حسینی بود. گویا قبل از آن جلسه‌ای از طرف اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در محل آرامگاه نادرشاه افشار برگزار می‌شده و پیشکسوتانی چون آقای جواد غفورزاده و سید محمد خسرونزاد و قاسم سروسها و محمد نیک، حضور داشته‌اند و بعد از آنکه در سال ۶۳ کنگره شعر وزارت ارشاد در مشهد برگزار می‌شود و چند جوان از جمله شهید احمد زارعی و مجید نضاقت و سید عبدالله حسینی و مصطفی محدثی توفیق می‌یابند که در آن کنگره احتمالا در وقت اضافه شعر بخوانند، با پیشکسوتان آشنا می‌شوند و با این وصف به جلسه باغ نادر راه می‌یابند. در سال ۶۴ سید عبدالله حسینی ابتدا در محل دفتر تبلیغات اسلامی دوستان جوان را دور هم جمع می‌کند و سپس با زمینه مساعدی که روحانی خوش

زمان مدیریت احمد زارعی، شعر حوزه یک پالایش جدی محتوایی شد و چهره‌های تازه‌ای در شعر مشهد ظهور کردند. البته مرحوم زارعی خیلی زود زمین گیر شد و خیلی به سرعت از پای در آمد؛ اما دغدغه‌هایش چنان عمیق بود که تا مدت‌ها روی بچه‌های حوزه موثر بود.



شماره ۶۷  
پاییز ۱۳۸۸

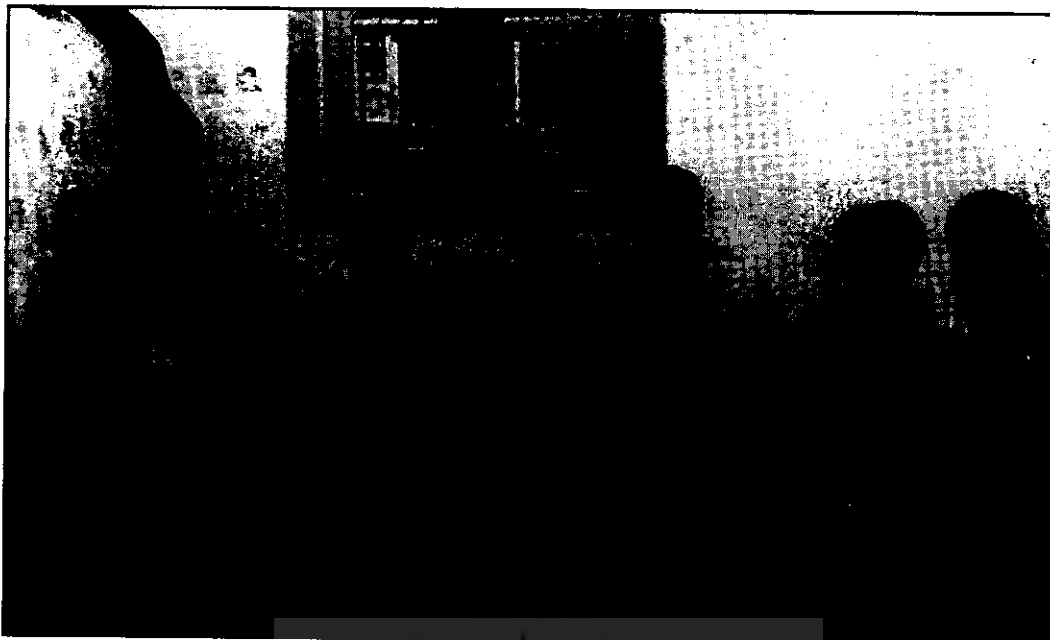


فکر آیت الله سیدآبادی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان خراسان بوجود می‌آورد، جلسه شعری در محل سازمان تبلیغات راه می‌اندازند که همین جلسه، پایه‌گذار تشکیل حوزه هنری در خراسان می‌شود.

این جلسه شعر، بعد از جلسه شعر حوزه هنری کشور، آنگونه که بسیاری ادعان دارند جدی‌ترین جلسه شعر در سطح کشور بوده و اکنون بسیاری از شاعران نسل دوم شعر انقلاب که از خراسان بالیده‌اند، به نحوی محل کشف و پرورش استعداد آنها این جلسه بوده است که از میان آن‌ها می‌توانم از این دوستان نام ببرم: محمدحسین جعفریان، عباس چشامی، محمد کاظم کاظمی، فضل‌الله قدسی، ابوطالب مظفری، سیدمحمد بهشتی، حسین شنوایی، حسن دلبری، جواد جعفری، آرش شفاعی، انسیه موسویان، راضیه رجایی، فاطمه بیدکی، محمد رضانی فرخانی، غلامعباس ساعی، احمد زارعی، مجید نضاقت، مصطفی محدثی خراسانی، محمود اکرامی، نادر پناه زاده، سید عبدالرضا موسوی، سید عبدالجواد موسوی، زهرا محدثی خراسانی، زهرا رضوی، علیرضا حسینی آبیژن، بروسان، هادی منوری، بهزاد پور حاجیان، مرضیه موفق، علیرضا سپاهی، عباسعلی سپاهی و...

مسئولیت جلسه با سید عبدالله حسینی بود و سال ۶۷ که غلامعباس ساعی از تحصیل در دانشگاه گیلان فارغ می‌شود و گویا سید عبدالله در یکی از کنگره‌های شعر با او آشنا می‌شود، مسئولیت گروه شعر را به او می‌سپارند. بعد از آن همان‌طور که عرض کردم از سال ۶۹ که سیدعبدالله برای همکاری با مرکز اسلامی ایران در ژوهانسبورگ به آفریقای جنوبی می‌رود و کماکان در آنجاست، مسئولیت گروه به مصطفی محدثی سپرده می‌شود که تا هنگام مهاجرت او به تهران این مسئولیت با اوست.

یک خصوصیت عجیبی جلسه شعر حوزه هنری مشهد داشت که هیچ جلسه‌ای در مشهد نداشت. جلسه شعر حوزه فعال و پویا بود، نقد در آن به شکل بسیار جدی پی گرفته می‌شد. کسی با کسی شوخی نداشت، نقدها بیرون از تعارفات معمول و رفاقت‌های بیرونی به شدت جدی بود. گاهی در حد بالای کار به بحث و جدل می‌کشید و دوستان نزدیک با هم کلنجار می‌رفتند (هر چند رفاقت‌ها در بیرون جلسه کماکان ادامه داشت).



از راست به چپ: محمد کاظم کاظمی، صفر رفائی نیا، غلامعباس ساعی، مجید نظافت، سید عبدالله حسینی، مصطفی محدثی خراسانی، نادر پناه زاده سال ۱۳۶۷

کم کم مصطفی محدثی خراسانی عازم تهران شد و جلسه بانوان حوزه را زهرا محدثی خراسانی و جلسه برادران را هادی اسماعیلی اداره می کرد. در این فرصت پیش آمده، ماجراهای شورای شعر خراسان، آمدن جعفری به عنوان مدیرکل ارشاد و تشکیل شورای شعر رخ داد و شورای شعر روز پنجشنبه را که روز حوزه بود، به ارشاد منتقل کرد(البته اکثر بچه های شورای شعر استان راه، اعضای سابق جلسه حوزه هنری تشکیل می دادند و به همین خاطر، انتخاب این روز چیزی نبود که دور از ذهن باشد؛ مخصوصا با اوضاع پریشان شعر حوزه).

در زمان مسئولیت جلسه شعر توسط زهرا محدثی، یک مجموعه شعر از بچه های خراسان چاپ شد که یادگار خوبی از این دوران است. اتفاق تازه ای افتاده بود. حوزه از سازمان جدا شده بود و به تقی آباد آمده بود. اما هنوز نگاه شعرا به شعر حوزه ترمیم نشده بود و اگر چه جلسات با مدیریت سعید ایمانی (حافظ) برگزار می شد، ولی هنوز نیاز به زمان بود تا شعرا دوباره به شعر حوزه رو کنند و از آنجا که زهرا محدثی به کانون رفته بود و حافظ ایمانی هم دوام زیادی نیاورد و خیلی زود بدون اینکه بتواند برنامه های خود را پیاده کند کنار رفت. بنده که مدت ها بود دیگر در هیچ جلسه ای حضور نیافته بودم و بعد از تعطیلی جلسه روزهای پنجشنبه ارشاد، ترجیح دادم کنار بایستم، با درخواست مدیران حوزه به جلسه ای که خودم تربیت شده آن بودم بازگشتم.

الان نزدیک سه سال است که جلسات در روزهای یکشنبه برگزار می شود و از آنجا که رفقای ارشادی ما پنج شنبه عزیز را تصاحب کرده بودند و ما قرار نبود با رفقای خودمان رقابت کنیم، جلسات را به روزهای یکشنبه که اصلا روز خوبی نیست و بخاطر برگزاری در بین هفته حتما با افت مخاطب طرف است منتقل شد؛ اما با این وجود حالا دیگر استقبال خوبی از جلسات می شود و ما گاهی صندلی کم می آوریم. در باب روی دادن اتفاقات ادبی هم، این جلسات چیزی مثل همه کشور است و خراسان اگر چه هنوز حرف های بسیاری برای گفتن دارد، اما دیگر هرگز به روزهای اوج خود نرسید.

بعدها اتفاق متفاوتی رخ داد. احمد زارعی یک چهره ادبی و صد البته ارزشی، مسئولیت حوزه هنری را به عهده گرفت. احمد زارعی شاعری دل سوخته بود و وقتی چیزی آزارش می داد، بیش تر از اینکه طرف را مورد نقد و نظر قرار دهد و طرف مقابل دلگیر شود به خودش نهیب می زد و ما خودمان حساب کارمان را می کردیم. من زیاد با احمد زارعی ارتباط نداشتم، ولی همیشه مورد لطفش قرار می گرفتم. در زمان مدیریت احمد زارعی، شعر حوزه یک پالایش جدی محتوایی شد و چهره های تازه ای در شعر مشهد ظهور کردند. البته مرحوم زارعی خیلی زود زمین گیر شد و خیلی به سرعت از پای در آمد؛ اما دغدغه هایش چنان عمیق بود که تا مدت ها روی بچه های حوزه موثر بود و توانست جلو بعضی از اتفاقاتی را که می رفت فضای حوزه را متاثر کند بگیرد.

جلسات حوزه هنری را همه با چهره های مشخصی می شناختند؛ چهره هایی که در عین ارزشی بودن، نگاه آزادی هم داشتند. این اتفاق با وجودی رخ می داد که ما در فضایی فعالیت می کردیم که به خاطر اتصال به چهار چوب های سازمان تبلیغات، ناگزیر به رعایت اصول خاص این مجموعه بودیم. مجموعه های متنوعی از آثار اعضای این جلسه وارد بازار نشر شد که توانست موج تاثیر گذاری را در مجامع ادبی کشور به وجود بیاورد؛ امواجی که هنوز هم دامنه بعضی از آنها به ساحل شعر برخورد می کند. اتفاقات مثبت و منفی زیادی مثل غزل مدرن، نهضت واویه مشهد، تفکر آموزش شعر(به عبارت دیگر کارگاه آموزش شعر، با شاخصه کتاب روزنه) و ...

مدیران بعد از احمد زارعی دیگر از مجموعه شعرا به این مقام نمی رسیدند؛ ما به زیر زمین منتقل شده بودیم و جلساتمان را دور از جنجال های بیرونی برگزار می کردیم. جلسات بسیار پربار بود؛ به طوری که مثلا آریامنش مدیر کل ارشاد و نماینده فعلی مردم مشهد، ساعت ها بدون اینکه حرفی بزند در جلسه حضور می یافت و به گفتگوها گوش می سپرد و خودش همیشه می گفت از جلسه شعر حوزه لذت می برد. البته او بیشتر از همه نماینده های مشهد با هنرمندان ارتباط دارد، حتی بیشتر از عفت شریعتی که خودش شاعر است و مسئول انجمن شعر بانوان ارشاد بوده است.

از سال ۹۶ که سید عبدالله برای همکاری با مرکز اسلامی ایران در زوهانسپور می رفتی به افریقای جنوبی می رود و کماکان در آنجاست. مسئولیت گروه به مصطفی محدثی سپرده می شود که تا هنگام مهاجرت او به تهران این مسئولیت با اوست.



شماره ۶۷  
پاییز ۱۳۸۸